

بررسی الزامات حقوق متهم در دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی

سیدمحمد فردحسینی^۱

چکیده

رعایت حقوق متهم در یک نظام حقوقی عدالت محور منوط به حاکمیت قانون و تشکیلات قضایی شایسته و کارآمد است. دستگاه قضایی هر جامعه در اجرای سیاست جنایی رویه‌های گوناگونی را در دستور کار خود قرار می‌دهد، فرآیند رسیدگی به دعاوی کیفری نقش و تاثیر مقام قضایی را در سیاست جنایی نمودار می‌سازد. از مهم ترین شرایطی که موجبات ثبات نظم جامعه را از یک طرف و احقاق حقوق فردی اشخاص و جامعه را از طرف دیگر تضمین می‌کند رعایت دادرسی عادلانه می‌باشد. این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای یا اسنادی استفاده شده است. در نهایت با توجه به نتایج این تحقیق مشخص شد با اجرای مواردی مانند ضابطه‌مندی، کاستن از امکان سوءاستفاده از مقررات، حق بهره‌مندی از وکیل در تمام مراحل دادرسی، افزایش اختیارات قانونی و استقلال بازپرس، تقلیل برخی اختیارات سابق دادستان و تعیین شرایط و محدودیت‌های جدید برای احراز عنوان ضابط دادگستری و وظایف محوله، نظارت بیشتر نسبت به قراردادهای تامینی منتهی به بازداشت، دگرگونی در ساختار مراجع قضایی و نحوه رسیدگی این مراجع به دعوی کیفری در مراحل مختلف، برخی از الزامات حقوق متهم در دادرسی عادلانه فراهم می‌شود.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، متهم، حقوق متهم، دادرسی عادلانه، حقوق کیفری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. رشته حقوق گرایش جزا و جرم شناسی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تبریز

مقدمه

رعایت عزت و کرامت انسانی و حقوق متهم در دادرسی عادلانه در برخورد با مجرمین و بزهکاران نقش مهمی در قبول مجازات در افکار عمومی و همچنین اعتماد عمومی به قوه قضائیه دارد. از سوی دیگر رفت بی جا و بیش از حد به مجرمین به بهانه رعایت کرامت انسانی، سبب از بین رفتن جنبه بازدارندگی مجازات و افزایش انتقام‌های خصوصی می‌شود. در تعیین و اجرای مجازات باید از یک سیاست سنجیده با رعایت اصول و اهداف مشخص پیروی نمود تا هم اهداف قانونگذار محقق شود و هم از ایراد نقض کرامت انسانی در امان باشد.

در تعیین مجازات و اجرای آن می‌بایستی از یک سیاست سنجیده و متکی به اصول و اهداف از پیش تعیین شده پیروی نمود تا با اجرای مجازات هم اهداف ملحوظ نظر قانونگذار محقق شود و هم از ایراد نقض کرامت انسانی در امان باشد. بنابراین یک سیاست کیفری کرامت مدار، در تمام مراحل و مولفه‌های خود از مرحله جرم‌انگاری تا اجرای مجازات و اعاده حیثیت، رعایت و پایبندی به حقوق متهم را در راس اهداف و سرلوحه برنامه‌های خود قرار می‌دهد.

با تشکیل سازمان ملل متحد، آن سازمان نقش مهمی در زمینه حقوق بشر بین‌الملل از طریق تصویب اسناد بین‌المللی ایفا کرده است. سازمان ملل با توسعه نهادهای حقوقی و زیرمجموعه‌ها، گفتمان‌های بین‌المللی بشردوستانه را توسعه داده است. مفاد منشور سازمان ملل متحد اساساً برای توسعه و گسترش حفاظت از حقوق بشر بین‌المللی است. در مقدمه آن لزوم پایبندی به حقوق اساسی بشر، حیثیت و ارزش انسانی و تساوی حقوق مرد و زن ذکر شده است.

مبحث اول: مفهوم حق، حقوق، متهم و حقوق شهروندی

برای تعریف هر لفظی ابتدا آن لفظ را در لغت و سپس در اصطلاح بررسی می‌نمایند؛ این عادت به طور خاص در بین پژوهشگران حقوق جزا نیز دیده می‌شود که فواید بسیاری نیز دربر دارد. از جمله این که تعریف لغوی تاثیر و کاربرد فراوانی در تعریف اصطلاحی دارد (کریمی، ۱۳۸۶: ۲۱).

گفتار اول: مفهوم حق و حقوق

بند اول: مفهوم حق

معانی الفاظ در علم خاصی به نام "علم لغت" معین می‌گردند (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۵).

در کتب اسلامی در تعریف حق گفته‌اند: عبارت است از قدرت یک فرد انسانی مطابق قانون بر انسان دیگر یا بر یک مال یا بر هر دو، اعم از این که مال مذکور، مادی و محسوس باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۶۷).

بند دوم: مفهوم حقوق

واژه‌هایی در زبان فارسی وجود دارد که بار معنایی آن‌ها هم سنگین است و هم متنوع. حقوق یکی از این واژه‌هاست (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۲۷). حقوق در زبان فارسی به دو معنی اصلی به کار می‌رود:

۱) مجموع قواعدی که بر اشخاص حکومت می‌کند.

۲) امتیازی که قواعد حقوق، برای تنظیم روابط اشخاص، به سود پاره‌ای از آنان در برابر دیگران ایجاد می‌کند.

حقوق امتیازی است که قواعد صالح دولت برای شخص در برابر دیگران می‌شناسد و تنها در اجتماع است که به وجود می‌آید. حقوق هر کشور، مفهوم حق و چگونگی اجرای آن را معین می‌کند و صاحب حق در حدود قوانین می‌تواند از آن استفاده کند نه به دلخواه خود (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۴۷).

گفتار دوم: مفهوم متهم

متهم شخصی است که مظنون به ارتکاب جرم بوده و جرم او در محاکم به اثبات نرسیده است. بعد از اثبات جرم، مجرم نامیده می‌شود.

مبحث دوم: مفهوم دادرسی، عادلانه، عدالت و انصاف

دادرسی عادلانه ترکیبی وصفی است که برای درک دقیق مفهوم آن لازم است نسبت به هر یک از واژه‌های "دادرسی" و "عادلانه" به شناخت صحیح و کافی دست یابیم.

ایده دادرسی عادلانه ابتدا در جوامعی مطرح شد که سیستم اتهامی مورد پذیرش و عمل قرار گرفته بود. چون در سیستم تفتیشی افراد برای مدت طولانی در بازداشت نگه داشته می‌شدند بدون آن که از اتهام خود آگاهی داشته باشند و متهمان وادار به اقرار می‌شدند. از این رو می‌توان گفت که مفهوم دادرسی عادلانه نخست در قرن ۱۳ یا ۱۴ در انگلستان مطرح شد و آمریکایی‌ها این عبارت را گرفتند و آن را وارد منشور همه ایالت‌های آمریکا نمودند و تقریباً در همه اسناد مربوط به انقلاب آمریکا و کنوانسیون قانون اساسی این کشور آن عبارت به کار رفت (رحمدل، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

مبحث سوم - مفهوم لغوی، اصطلاحی، اسلامی، جرم‌شناختی، قانونی و جامعه‌شناختی جرم

در اکثر رشته‌های علمی رویه بر این است که برای بیان مفهوم هر لفظی ابتدا آن لفظ را در لغت و سپس در اصطلاح بررسی می‌نمایند؛ این عادت به طور خاص در بین پژوهشگران حقوق جزا نیز دیده می‌شود که فواید بسیاری نیز در بر دارد. از جمله این که تعریف لغوی تاثیر و کاربرد فراوانی در تعریف اصطلاحی دارد (کریمی، ۱۳۸۶: ۲۱).

گفتار اول: مفهوم لغوی جرم

جرم و جریمه از جرم به فتح جیم، گرفته شده است، که به معنی قطع کردن است یا به قول راغب اصفهانی "اصل معنی جرم، بریدن میوه از درخت است و برای هر کسب و کار زشت و مکروه، استعمال شده است و به معنی وادار کردن بر کار ناپسند نیز اطلاق شده است" در فرهنگ فارسی عمید و فرهنگ لغت دهخدا نیز جرم در لغت به معنای گناه، خطا و بزه می‌باشد (عمید، ۱۳۶۳: ۸۱۰). جرم در ادبیات نیز بیشتر در معنای گناه مورد توجه قرار گرفته است. جرم‌شناسان، جرم را به

معنای هر فعل مغایر اخلاق و عدالت تعریف نموده‌اند و یا بنا به تعریف گاروفالو یکی از بنیانگذاران دانش جرم‌شناسی، عبارت است از تعرض به احساس اخلاقی بشر یعنی جریحه‌دار کردن آن بخشی از حس اخلاقی که احساسات بنیادی نوع خواهانه، یعنی شفقت و درستکاری را شامل می‌شود (اردبیلی، ۱۳۸۴: ۱۱۹). بطور کلی به عقیده جرم‌شناسان هر فعل یا ترک فعلی که برای اکثریت افراد یک جامعه خطرناک باشد جرم نامیده می‌شود (دانش، ۱۳۸۲: ۴۸).

گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی جرم

معنای اصطلاحی جرم از معنای لغوی آن دور نمانده است و تعاریفی که از جرم صورت گرفته است بر این امر دلالت دارد. ارائه تعریف دقیق از دعوا و تشخیص مفهوم آن، بی‌شک در تجزیه و تحلیل مقررات قانونی اهمیت بنیادین دارد.

حرمت جرم از ضروریات دین مبین و الهی اسلام است به این دلیل که نافرمانی اوامر الهی است. یکی از مسائلی که دنیای بعد از جنگ جهانی دوم بین المللی را به خود مشغول داشته، سست شدن بنیان خانواده‌ها و درهم ریختن معتقدات اخلاقی و مذهبی از طرف نوجوانان و جوانان است (صلاحی، ۱۳۸۷: ۶۰).

گفتار سوم: ضمانت اجرای کیفری تخلف از رعایت حقوق شهروندی متهم

به موجب ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ جمهوری اسلامی ایران «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارت وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۴/۴ محکوم می‌شوند مگر آن که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد. (سلیمی، ۱۳۹۳: ۷).

مبحث چهارم - حقوق متهم در فرآیند رسیدگی کیفری

هنگامی که جرمی علیه شهروندی اتفاق می‌افتد برای اجرای عدالت ناگزیر از مواجهه شهروندان با دستگاه عدالت کیفری می‌باشیم. فرآیند کیفری شامل مراحل کشف جرم، اقامه دعوی، تعقیب، تحقیق و محاکمه و مراحل پس از محاکمه و تعیین و اجرای مجازات می‌باشد.

کرامت ذاتی انسانی در قلمرو حقوقی کیفری ماهوی دارای آثار و نتایج متعددی است از ضرورت رعایت کرامت انسانی در مرحله اجرای مجازات‌ها و تحدید دامنه مداخله حقوق و جزا در فضای آزاد فردی و ممنوعیت جرم‌انگاری‌های غیرضروری گرفته تا لزوم جرم زدایی از رفتارهای مجرمانه مثل

ارتداد و ممنوعیت استفاده از مجازات ها و اقدامات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده، غیر ضروری و نامتناسب از آثار مهم این وصف ذاتی‌اند که به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرند.

گفتار اول: حقوق متهم در مرحله اجرای مجازات‌ها

دادرسی عادلانه کرامت مدار در کلیه مراحل خود کرامت والای انسانی را در راس خود قرار می‌دهد. بررسی تاریخ تحول مجازات موضوعی دردناک و در عین حال جالب توجه است به این دلیل که این سیرتحول نه تنها قضاوت و بی‌رحمی انسان نسبت به انسان دیگر را به اثبات می‌رساند، بلکه موید این ادعای دورکیم است که می‌گوید: تاریخ مجازات تاریخ لغو همیشگی است، مجازات صرفاً گذشته دارد نه آینده، تاریخ به ما می‌آموزد که هیچ مجازاتی دائمی و خالی از نقص و عیب نبوده و تمامی آنها بعد از تامین اهداف مورد نظر از بین رفته‌اند و جامعه قائم مقام‌های مناسب‌تری را برای آن‌ها یافته است (رهامی، ۱۳۸۴: ۲۸-۳۲).

گفتار دوم: منع مجازات های تحقیرکننده و غیر ضروری

رفتارها و مجازات‌هایی هستند که به حیثیت و اعتبار فرد لطمه وارد می‌کنند، به عبارت دیگر رفتار یا مجازات، زمان تحقیرکننده محسوب می‌شود که توانایی مقاومت جسمی و روحی قربانی را درهم شکسته و موجب شود قربانی در خود احساس حقارت و ذلت و خوار نماید.

احترام به کرامت انسانی، محدود ساختن آزادی رفت و آمد، ورود خودسرانه به حریم و خلوت زندگی افراد، ویژگی عادلانه، منصفانه و انسانی بودن این قبیل اقدامات را به کلی زایل کرده و بنیان عدالت را به شدت متزلزل می‌کند.

مجازات علاوه بر مفید و موثر بودن، باید عادلانه و منصفانه هم باشد. مجازاتی که از حدود اقتضای عدالت و استحقاق خارج شود، غیرضروری خواهد بود.

هیچ مجازاتی نباید تعیین و تحمیل گردد، مگر این که استحقاق تحمل آن وجود داشته باشد، مجازات مورد استحقاق مجازاتی است که با توجه به میزان سرزنش و صدمه وارده و اهمیت و موضوع جرم ارتكابی تعیین می‌شود.

مبحث پنجم: دادرسی عادلانه

یکی از نیازهای اصل کرامت ذاتی انسان در قلمرو حقوق کیفری شکلی، حق بهره‌مندی شهروندان از دادرسی عادلانه و منصفانه است. این حق یکی از حقوق بنیادی بشر است، در بسیاری از قوانین اساسی و عادی کشورهای مختلف از جمله ایران پیش‌بینی گردیده است.

دادرسی عادلانه مجموعه‌ای از حقوق و تأمینات مربوط به اجرای مناسب عدالت و حقی از حقوق مسلم شهروندان جامعه است که در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی بسیاری از کشورها مورد تأکید قرار گرفته است.

در مجموع می‌توان دادرسی عادلانه را این گونه تعریف نمود: رسیدگی به امر کیفری در یک دادگاه صالح و بی‌طرف که مطابق قانون تشکیل گردیده است، در یک شرایط برابر بین اصحاب دعوا رعایت کلیه تضمین‌های شکلی و ماهوی مربوط به حقوق اشخاص دخیل در امر جزایی.

گفتار اول: تضمین شکلی و ماهوی مربوط به حقوق متهم

بند اول: رعایت اصل برائت

رعایت اصل برائت ایجاب می‌کند که قضات دادگاه‌ها قبل از رسیدگی به ادله ابرازی از سوی دادستان و یا شاکی و احراز بزهکاری متهم باشد و از پیش داوری در مورد متهم خودداری کنند. نتیجه مهم دیگر اصل برائت در موقع بروز شک و شبهه و عدم کفایت ادله است، که در این صورت به استناد اصل برائت تفسیر به نفع متهم صورت می‌گیرد و او بی‌گناه فرض می‌شود. همچنین نتیجه دیگر اصل برائت در آزادی فوری متهم در صورت صدور حکم برائت است.

بند دوم: حق رهایی از بازداشت غیرقانونی

اقتضای اصل آزادی این است که افراد نباید از آزادی‌هایشان به طور غیرقانونی و یا خودسرانه محروم شوند. در اصل ۳۲ قانون اساسی چنین آمده است: هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون تعیین می‌کند. این اصل روی بازداشت بی‌حساب، خط بطلان می‌کشد و دستگیری اشخاص را موقوف به قانونی خاص می‌کند. در همین راستا در قانون آیین دادرسی کیفری موارد بازداشت و دستگیری اشخاص به ترتیب زیر بیان شده است.

الف - دستگیری توسط ضابطین دادگستری

مطابق قانون آیین دادرسی کیفری ضابطین دادگستری تنها در جرایم مشهود حداکثر تا ۲۴ ساعت می‌توانند جهت تکمیل تحقیقات متهم را تحت نظر نگهداری و ضمناً مکلف هستند که موضوع اتهام و دلایل آن را بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ نمایند و در اولین فرصت موضوع را به اطلاع مقام قضایی برسانند تا مقام قضایی در خصوص ادامه بازداشت یا آزادی متهم اتخاذ تصمیم نمایند. مدت نگهداری متهم بدون صدور قرار تامین نیز ۲۴ ساعت مقرر شده است بنابراین در مجموع ۴۸ ساعت می‌توان متهم را بدون قرار تامین تحت نظر نگه داشت. اما نکته قابل ذکر این است که هیچ گونه اعتراضی برای متهم در قانون برای این مدت وجود ندارد. بنابراین به راحتی آزادی متهمان در معرض خطر قرار می‌گیرد به ویژه که در این مقطع دلایل اتهام بسیار ضعیف است.

بعد از دستگیری متهم و ابلاغ کتبی اتهام و دلایل آن بلافاصله به متهم، وظیفه بعدی ضابطین در جریان قرار دادن خانواده دستگیرشدگان است. تکلیفی است که بند ۵ ماده واحده قانون حقوق شهروندی برعهده ضابطین گذشته است. به موجب این بند اصل منع دستگیری و بازداشت افراد

ایجاد می‌کند که در موارد ضروری نیز حکم و ترتیبی که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

ب- بازداشت موقت توسط مقام قضایی

بازداشت موقت مهم ترین و شدیدترین تضمین جهت حضور متهم نزد مقام قضایی است که به لحاظ این که آزادی افراد را قبل از صدور حکم محکومیت قطعی محدود می‌کند، مورد انتقادهای شدیدی قرار گرفته و علاوه بر این معایب دیگری برای آن بیان شده است، از جمله آن که لطمه شدید به اعتبار و حیثیت اجتماعی افراد وارد می‌آورد خصوصاً در مواردی که در نهایت حکم براءت صادر می‌شود. زیرا جبران این اعتبار از دست رفته و حیثیت بر باد رفته بسیار دشوار است. بازداشت موقت تاثیر منفی بر ذهن قاضی صادر کننده حکم دارد و سبب تسهیل در صدور حکم محکومیت متهم می‌شود صدور قرار بازداشت موقت برخلاف اصل برابری سلاح‌ها است زیرا به موجب این اصل دو طرف دعوی می‌بایست در شرایط مساوی از امکانات برخوردار باشند تا بتوانند در شرایط مساوی از موضع خود دفاع نمایند در صورتی که بازداشت موقت این تساوی را به هم می‌زند، به این ترتیب در طرف دیگر متهم که حداقل امکانات شامل توانایی رفت و آمد آزادانه از او سلب شده و به طریق اولی امکان جمع آوری هرگونه دلیل برای او منتفی است.

پ- تقویت حقوق دفاعی متهم

در ذیل حقوق دفاعی متهم را بر می‌شمریم:

- حق داشتن وکیل
- حق برخورداری از مترجم یا افراد خبره در مورد متهمین ناشنوا به طور رایگان
- حق مواجهه با شهود مخالف و جرح شاهد
- اعطای فرصت مناسب به متهم جهت ارایه شهود معرض
- ... و...

بندسوم: منع شکنجه

شکنجه در هیچ شرایطی امکان پذیر نیست و هیچ استثنایی نمی‌پذیرد. حفظ نظام حکومتی بیش از همه به گسترش عدالت تامین می‌شود و حکومت‌هایی که مدعی اجرا عدالت‌اند، باید هر نوع شکنجه را ممنوع اعلام کنند، چون استفاده از شکنجه با یکی از اصول بنیادین عدالت کیفری که به موجب آن مجازات را مخدوش و در نتیجه اعتماد مردم نسبت به حکومت را سلب می‌کند.

گفتار دوم: اصول و ضوابط مربوط به دادگاه و قاضی رسیدگی کننده

بند اول: حق مساوی افراد در دسترسی به دادگاه صالح

دادخواهی از حقوق اولیه و مسلم همه افراد یک ملت به شمار می‌رود تا افرادی که به تمامیت جسمانی یا روحی یا آزادی یا امنیت شان تجاوز صورت گرفته بتوانند بدون هیچ گونه منعی به دادگاه های صالح رجوع نمایند.

در اصول ۱۹ و ۲۰ تساوی همه افراد ملت بیان شده است و در نهایت اصل ۳۴ به حق مساوی افراد در جامعه به دادگاه های صالحه در دادخواهی اشاره نموده است.

مطابق با اصل ۳۴ ق.ا جمهوری اسلامی ایران «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید...» با توجه به اصل مذکور شناسایی دادگاه صالح از وظایف و تکالیف شاکی است. منظور از صلاحیت نیز توانایی و تکلیفی است که به موجب قانون دادگاه و مراجع غیرقضایی در رسیدگی به دعاوی دارا می‌باشند که به دو دسته عام تقسیم بندی می‌شود.

۱. صلاحیت ذاتی ۲. صلاحیت محلی (نسبی)

الف: صلاحیت ذاتی

صلاحیت وقتی ذاتی است که محاکم را از حیث صنف (اداری - قضایی)، نوع (عمومی - اختصاصی) و درجه (نخستین - عالی) تقسیم کنیم. مثلاً دادگاه کیفری دو در صنف قضایی، در نوع عمومی و در درجه نخستین است (مهاجری، ۱۳۸۷: ۲۶۶).

این نوع صلاحیت با عنایت به این که ناظر بر ساختار مراجع تظلم خواهی است، جز قواعد آمره بوده و به هیچ وجه نمی‌توان بر خلاف آن عمل نمود (شمس، ۱۳۸۷: ۱۵۹). خواه از سوی طرفین دعوا باشد و خواه از سوی دادرس. پس اگر دعوا در مرجعی مطرح شود که فاقد صلاحیت ذاتی است، با عنایت به مواد ۲۷، ۸۹ و بند ۱ ماده ۸۴ (ق. آ. د. م) دادرس مکلف خواهد بود رأساً و بدون ایراد اصحاب دعوا در این خصوص مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت نماید (مهاجری، ۱۳۸۷: ۱۵۹ و ۱۶۰). چرا که در غیر این صورت حکم صادره از سوی دادگاه به موجب مواد ۳۳۳، ۳۵۲، تبصره ماده ۳۳۱، بند د ماده ۳۴۸ و همچنین بند ۱ ماده ۳۷۱ همان قانون از سوی مراجع عالی نقض خواهد شد.

ب: صلاحیت محلی (نسبی)

صلاحیت وقتی محلی است که شایستگی دادگاهها را از حیث قلمرو جغرافیایی و محلی تقسیم نماییم (مهاجری، ۱۳۸۷: ۱۵۹ و ۱۶۱). ماهیت قواعد صلاحیت محلی اصولاً تخییری است؛ لذا هر گونه تراضی و توافق معارض با آن تا جایی که مغایر با نظم عمومی نباشد مجاز خواهد بود.

از سوی دیگر بر خلاف صلاحیت ذاتی اگر دادگاهی از نظر محلی صالح به رسیدگی نباشد، دادرس مخیر است که به دعوا رسیدگی کرده و یا مطابق با ماده ۲۷ (ق. آ. د. م) قرار عدم صلاحیت صادر نماید. مگر این که یکی از طرفین دعوا تا پایان اولین جلسه دادرسی به این امر ایراد نماید، (بند ۱ ماده ۸۴ و مواد ۸۷، ۸۹ ق. آ. د. م) که در این صورت دادرس مکلف به صدور قرار عدم صلاحیت و ارجاع پرونده به مرجع صالح خواهد بود. ولی اگر با وجود ابراز ایراد در موعد مقرر، دادرس در ماهیت امر وارد شده و مبادرت به انشاء رأی نماید، رأی مذکور وفق بند ۱ ماده ۳۷۱ و همچنین ماده ۳۵۲ و با لحاظ ماده ۲۶ (ق. آ. د. م) نقض شده و به دادگاه صالح ارجاع خواهد شد (مهاجری، ۱۳۸۷: ۱۵۹ و ۱۶۱). (مواد ۳۵۲ و بند م ماده ۴۰۱ همان قانون)

بنددوم: لزوم رسیدگی توسط قضات صالح متخصص و مستقل و بی طرف

دادرسی عادلانه علاوه بر وجود دادگاه های قانونی مستلزم این است که قضات آن واجد شرایطی باشند نظیر تخصص، استقلال و بی طرفی که در ادامه به توضیح هر یک از این ویژگی ها می پردازیم. یکی از معیارهایی که جهت انتخاب قاضی در فقه اسلامی بیان شده است عدالت و علم است. ویژگی بعدی قاضی بی طرف بودن می باشد.

ویژگی بعدی قاضی در یک نظام دادرسی عادلانه، استقلال قاضی است به این معنی که قاضی بدون هیچ گونه فشار و نگرانی صرفا برپایه ادله و مستندات قانونی اقدام به صدور رای نماید.

بندسوم: علنی بودن محاکمات

علنی بودن محاکمات یکی دیگر از تضمین های مهم برای امنیت قضایی به شمار می رود. بدین معنا که مردم باید بتوانند در جلسات دادرسی حضور یابند و در جریان محاکمه قرار گیرند و صحت و سقم آن را مورد بررسی قرار دهند.

دستگاه های قضایی همانند دیگر نهادها و موسسات حکومتی، امانتدار مردمند با علنی بودن محاکمات، عملکرد آن ها تحت نظارت مستقیم مردم و افکار عمومی قرار می گیرد و از گرایش به انحراف مصون خواهند ماند و از برکت این نظارت قضایی این است که امنیت افراد نیز به نحو شایسته تضمین خواهد شد. برعکس جلسات سری و غیرعلنی دادگاه ها موجبات بدبینی مردم و توسعه شایعات علیه حکومت و دستگاه قضا را فراهم می کند و به احتمال تزییع امنیت شهروندان گرفتار در دستگاه قضا قوت می بخشد.

علنی بودن دادرسی از این جهت حائز اهمیت است که منصفانه بودن دادرسی و استقلال و بی طرفی قاضی را تضمین می کند و به دلیل این که اجرای عدالت کیفری را از نظر عموم مردم عینی تر و ملموس تر می نماید، باعث می شود که مردم نسبت به سیستم عدالت کیفری حفظ شود. علاوه بر این علنی بودن دادرسی در حقیقت یک نوع مکانیسم نظارتی و مستقیم و مردمی بر جریان دادرسی بوده و زمینه را برای تحقق سیاست جنایی مشارکتی فراهم می کند.

بنابراین برای تضمین حقوق اصحاب دعوا لازم است قانونگذار جرایمی که رسیدگی به آن ها غیرعلنی است را صراحتاً بیان نماید.

بند چهارم: رسیدگی در مدت معقول

یکی دیگر از معیارهای دادرسی عادلانه رسیدگی در مدت معقول و بدون تاخیر ضروری می‌باشد زیرا هدف دادرسی کیفری احقاق حق از قربانی و جامعه می‌باشد که گاهی اوقات با تاخیرهای بی‌مورد و بی‌اساس نه تنها احقاق حق نمی‌گردد بلکه حق بیشتری تضییع می‌گردد. چراکه با تاخیر انداختن محاکمه ممکن است، مرتکب متجری شود و مزاحمت‌های جدیدی برای قربانی پدید آورد یا سبب ورود آسیب‌های دیگری به اجتماع شود.

در قوانین و مقررات داخلی هیچ مقررۀ یا معیاری جهت تعیین مدت دادرسی بیان نشده است تنها در قانون آیین دادرسی کیفری آمده است که تحقیقات مقدماتی باید سریع انجام شود و تعطیلات مانع از انجام تحقیقات نمی‌شود (آشوری، ۱۳۷۶: ۵).

بند پنجم: حق تجدیدنظر خواهی

تجدیدنظر عبارت است از رسیدگی ماهوی یا شکلی مجدد توسط مراجع قضایی بالاتر در آرای که توسط دادگاه های تالی صادر می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۵۸).

قاضی مانند هر انسان دیگری در معرض اشتباه و انحراف است، بنابراین باید به جهت حفظ حقوق مردم، اموال، نفوس و اعراض آنان با تقاضای محکوم علیه یا طرف وی نسبت به حکم صادره و نحوه رسیدگی آن تجدیدنظر شود.

گفتار سوم: رعایت حقوق متهم پس از اجرای مجازات

کرامت انسانی در مقررات شکلی سیاست کیفری و اجرای مجازات، علی‌رغم اهمیت بیش از حد چندان مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته و مقررات کامل و جامعی در این خصوص موجود نیست و بسیاری از مواد دارای ابهامات زیاد بوده به نحوی که قابلیت هرگونه تفسیر را دارد و این امر مخالف حقوق و آزادی طرفین دعوی کیفری است. بنابراین اقتضای اصل عادلانه و منصفانه بودن رسیدگی آن است که در این مورد هم مقرراتی وضع شود.

بند اول: قاعده منع محاکمه مجدد

یکی دیگر از آثار دادرسی عادلانه، قاعده منع محاکمه و مجازات مضاعف است در حقیقت انعکاس همان قاعده سنتی اعتبار امر مختومه کیفری در سطح بین‌المللی است که به منظور رفع آثار سوء ناشی از تعرض‌های مثبت صلاحیت کیفری پیش بینی شده است.

به عبارت دیگر، قاعده ممنوعیت محاکمه مجدد متهم برای یک عمل و نتیجه آن یعنی ممنوعیت مجازات مضاعف خود از آثار مستقیم اعتبار امر مختومه در سطح ملی و بین‌المللی است.

بند دوم: سایر تضمینات

به طور کلی در قوانین و مقررات راجع به حقوق کیفری ایران، جهت احترام به کرامت انسانی در قلمرو دادرسی کیفری، تدابیری از قبیل قانونمندی دادرسی کیفری، برابری افراد در برابر قانون، منع شکنجه و آزار و اعمال مجازات های غیرانسانی و خودسرانه، منع دستگیری و بازداشت های غیرقانونی، حاکمیت اصل برائت، منصفانه و عادلانه بودن محاکمه، علنی بودن محاکمه، ضرورت حفظ شان و شخصیت و کرامت متهمان لزوم جبران ضررهای وارد شده بر بازداشت شدگان با محکومان بی گناه منع محاکمه مضاعف و ... که از مهم ترین این تضمین ها است.

همچنین قوانین داخلی پاره ای از کشورها تضمینات مربوط به حقوق بزه دیده را به خاطر احترام به کرامت انسانی به رسمیت شناخته است که عبارت است از:

- حق احترام به منزلت بزه دیدگان
- حق ارائه دیدگاهها و نگرانی های بزه دیدگان
- حق تامین امنیت
- حق جبران خسارت و پرداخت غرامت
- حق اعاده حیثیت
- حق کمک رسانی مناسب
- حق آگاه سازی و اطلاع رسانی مناسب به بزه دیدگان در مورد حقوق آنان.

مبحث ششم: حقوق متهم و اعاده حیثیت مجرمان

نمی توان انکار کرد که محکومیت کیفری دارای آثار ناخوشایندی برای محکوم است که سلب یا تضعیف موقعیت اجتماعی او از زمره آن هاست و چه بسا کسب و تحصیل آبروی از دست رفته خصوصا در شهرهای کوچک نیازمند سال ها مدارا و رنج است. همچنان که محکومیت کیفری یک شخص به دلیل اشتباه قاضی با توجه به اتهام به فردی غیر مقصر و بی گناه به دلایلی چون تبانی شهود و ... آثار مخرب اجتماعی و روانی برای متهم و محکوم بی گناه ایجاد می کند که سیمای عدالت جزایی را مخدوش و اعتماد عمومی به دستگاه عدالت و اعتبار آن را به چالش می کشاند.

گفتار اول: مفهوم اعاده حیثیت

اعاده حیثیت به لحاظ لغوی از دو کلمه عربی اعاده و حیثیت ترکیب یافته است که اعاده به معنای بازگرداندن و حیثیت به معنای اعتبار و آبرو ((معین، ۱۳۸۴: ۱۳۲)) بازگشت به اهلیتی است که شخص به علتی آن را از دست داده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۵۹).

در ادبیات حقوقی، اعاده حیثیت به مفهوم واحدی استعمال نشده است. به طور کلی مقررات و متون حقوقی، اصطلاح مزبور در دو مورد به کار رفته است:

۱- تدابیری برای بازگشت شان و آبروی مخدوش شده شخص متعاقب اقدام عمدی شریانه یا حداقل خطای دیگری.

۲- در مفهوم دیگر اعاده حیثیت، تاسیسی حقوقی است که با الغای محکومیت از سجل قضایی شخص، باعث سقوط مجازات تبعی و زوال محکومیت کیفری شده و حقوق موقعیت‌های قانونی را برای شخص باز می‌گرداند. بنابراین با نیل شخص به اعاده حیثیت آثار محکومیت سابق ملغی و او همانند ناکرده بزه و شهروند عادی، اهلیت اجرای تمامی حقوق اجتماعی و سیاسی خود را باز می‌یابد.

گفتار دوم: مبانی اعاده حیثیت

محکومیت کیفری اصولاً وجهه و حیثیت اخلاقی و اجتماعی مجرم را از میان می‌برد و ترمیم این آسیب‌دیده نیازمند سال‌ها ریاضت و خویشتن داری و حکمت برمدار اخلاق و موازین قانونی است. انتظار نیست که خصوصاً برخی تبهکاران، حتی با انطباق رفتار خود با قانون هرگز حیثیت اجتماعی از دست رفته خود را باز نیابند. همچنان که نمی‌توان امیدوارانه اصلاح برخی از محکومان را پس از تحمل مجازات نظاره کرد (علی آبادی، ۱۳۶۸: ۴۲۹).

برخوردار نمودن محکوم از اعاده حیثیت و بهره‌مندی از حقوق اجتماعی یک ضرورت است و بستگی به دلایل زیر دارد:

- محکوم اصلاح شده است و دارای حالت خطرناک نیست.
- مستند به اصل تساوی مردم در قانون محکوم را از فرصت‌های برابر با سایر افراد برخوردار کند.
- اعاده حیثیت نوعی اغماض و رافت است.
- اعاده حیثیت با هدف والای حقوق کیفری از مجازات، یعنی اصلاح مجرم هماهنگ است.
- اعاده حیثیت سنجشی قابل توجه با نهاد توبه در حقوق اسلامی دارد.

گفتار سوم: آثار اعاده حیثیت

اعاده حیثیت که به دلایل مورد پذیرش نظام‌های عدالت کیفری قرار گرفته است، دارای آثار زیر است:

- ۱- سقوط مجازات‌های تبعی: با اعطای اعاده حیثیت آثار تبعی مترتب بر حکم محکومیت نسبت به آینده زایل می‌شود و کلیه اهلیت‌های قانونی به شخص باز می‌گردد. لیکن در مورد مجازات‌های تکمیلی یا اقدامات تامینی، اعاده حیثیت فقط با اجرای آن‌ها و یا شمول مرور زمان محقق می‌شود.
- ۲- محو سابقه محکومیت کیفری از سجل کیفری به موجب قانون مجازات فرانسه، اصولاً اعاده حیثیت همان اثرات عفو عمومی را ایجاد می‌کند که پاکسازی سجل کیفری از شخص محکوم، از مهمترین آن‌هاست.

۳- از بین رفتن آثار سابقه محکومیت، با حذف سابقه محکومیت کیفری از شناسنامه کیفری شخص و نیل به اعاده حیثیت، ارتکاب مجدد، او را مشمول مقررات تکرار جرم و در نتیجه تشدید مجازات نخواهد کرد.

۴- برخورداری شخص از پاره‌ای امتیازات: اعطای برخی از تدابیر جایگزین مجازات، چون آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات، منوط به نداشتن سابقه محکومیت کیفری است، بنابراین استفاده از آزادی مشروط در صورتی که محکوم پس از آن به اعاده حیثیت نیل آمده باشد، منعی ندارد.

مبحث هفتم: اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق متهم

در غالب جرائم حضور دو کنشگر ضروری است: بزه‌کار و بزه‌دیده. براساس نظریه حسابگری بنتمام شخص قبل از ارتکاب جرم با سنجش منافع و مضرات آن به حسابگری می‌پردازد و چنان که دریابد منافع مکتسبه احتمالی بیشتر از مضرات است اقدام خواهد کرد (پراول، ۱۳۸۱: ۶۲).

یکی از مواردی که می‌تواند در حسابگری بزه‌کار مورد لحاظ قرار گیرد، وجود بزه‌دیده‌ای است که آماج مناسبی برای ارتکاب جرم باشد.

در عرصه بین‌المللی، اسناد بین‌الملل عهده‌دار حمایت از حقوق بشر هستند. سه سند بنیادین و عام حقوق بشر در واقع منشور جهانی حقوق بشر هستند که بر حقوق بشر تاکید ورزیده‌اند. در ادامه به آنها اشاره خواهیم نمود.

- اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی

- میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ میلادی

میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد

نتیجه‌گیری

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دارای ویژگی‌ها و نوآوری‌هایی است که با شرایط دادرسی عادلانه و حفظ و رعایت حقوق متهم شناخته شده در موازین بین‌المللی همخوانی بیشتری دارد. در جهان کنونی، رعایت توازن میان برقراری نظم و امنیت عمومی از یک سو و حفظ حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان از سوی دیگر، صحنه چالش در اجرای مقررات آیین دادرسی کیفری است. شکل و نحوه برخورد مقامات قضایی دادسرا، ضابطان دادگستری و دادگاه‌های صالحه کیفری، با پدیده مجرمانه و شهروند متهم یا ناکرده جرم، در فرآیند دادرسی کیفری، الگوی نمونه و شاخصی است برای داوری شهروندان یک جامعه و حتی دیگر کشورها، درباره این که دولت یا حاکمیت، چه ارزش و اعتباری به حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان خود قائل است. حفظ نظام حکومتی بیش از همه به گسترش عدالت تامین می‌شود و حکومت‌هایی که مدعی اجرا عدالت‌اند، باید هر نوع شکنجه را ممنوع اعلام کنند. در اصول ۱۹ و ۲۰ تساوی همه افراد ملت بیان شده است و در نهایت اصل ۳۴ به حق مساوی افراد در جامعه به دادگاه‌های صالحه در دادخواهی اشاره نموده است. دادرسی عادلانه

علاوه بر وجود دادگاه های قانونی مستلزم این است که قضات آن واجد شرایطی باشند نظیر تخصص. علنی بودن محاکمات یکی دیگر از تضمین های مهم برای امنیت قضایی به شمار می رود. بدین معنا که مردم باید بتوانند در جلسات دادرسی حضور یابند و در جریان محاکمه قرار گیرند و صحت و سقم آن را مورد بررسی قرار دهند. در قوانین و مقررات داخلی هیچ مقرره یا معیاری جهت تعیین مدت دادرسی بیان نشده است تنها در قانون آیین دادرسی کیفری آمده است که تحقیقات مقدماتی باید سریع انجام شود و تعطیلات مانع از انجام تحقیقات نمی شود. قاضی مانند هر انسان دیگری در معرض اشتباه و انحراف است، بنابراین باید به جهت حفظ حقوق مردم، اموال، نفوس و اعراض آنان با تقاضای محکوم علیه یا طرف وی نسبت به حکم صادره و نحوه رسیدگی آن تجدیدنظر شود. قاعده ممنوعیت محاکمه مجدد متهم برای یک عمل و نتیجه آن یعنی ممنوعیت مجازات مضاعف خود از آثار مستقیم اعتبار امر مختومه در سطح ملی و بین المللی است. همچنین قوانین داخلی پاره ای از کشورها تضمینات مربوط به حقوق بزه دیده را به خاطر احترام به کرامت انسانی به رسمیت شناخته است که برخی از موارد آن عبارت است از: حق احترام به منزلت بزه دیدگان، حق ارائه دیدگاه ها و نگرانی های بزه دیدگان، حق تامین امنیت، حق جبران خسارت و پرداخت غرامت، حق اعاده حیثیت حق کمک رسانی مناسب، حق آگاه سازی و اطلاع رسانی مناسب به بزه دیدگان در مورد حقوق آنان، برخوردار نمودن محکوم از اعاده حیثیت و بهره مندی از حقوق اجتماعی یک ضرورت است و بستگی به دلایلی مانند محکوم اصلاح شده است و دارای حالت خطرناک نیست، مستند به اصل تساوی مردم در قانون محکوم را از فرصت های برابر با سایر افراد برخوردار کند، اعاده حیثیت نوعی اغماض و رافت است، اعاده حیثیت با هدف والای حقوق کیفری از مجازات، یعنی اصلاح مجرم هماهنگ است و اعاده حیثیت سنجشی قابل توجه با نهاد توبه در حقوق اسلامی دارد. اعاده حیثیت که به دلایل مورد پذیرش نظام های عدالت کیفری قرار گرفته است، دارای آثار از قبیل سقوط مجازات های تبعی، محو سابقه محکومیت کیفری از سجل کیفری به موجب قانون مجازات فرانسه، از بین رفتن آثار سابقه محکومیت و برخورداری شخص از پاره ای امتیازات. در عرصه بین المللی، اسناد بین الملل عهده دار حمایت از حقوق بشر هستند. سه سند بنیادین و عام حقوق بشر در واقع منشور جهانی حقوق بشر هستند که بر حقوق بشر تاکید ورزیده اند. این اسناد عبارتند از اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی، میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ میلادی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد. در نهایت با توجه به نتایج این تحقیق می توان گفت قانون آیین دادرسی کیفری جدید که سرلوحه مقررات خود را به اصول و قواعد حاکم بر شرایط دادرسی عادلانه و حفظ و رعایت حقوق شهروندی با تعیین ضمانت اجرای کیفری اختصاص داده است، به موازات حفظ حقوق جامعه، به نحو چشمگیری رعایت حقوق دفاعی متهم را در مراحل مختلف دادرسی کیفری، کانون توجه خود قرار داده است. مواردی مانند

ضابطه‌مندی، کاستن از امکان سوءاستفاده از مقررات، حق بهره‌مندی از وکیل در تمام مراحل دادرسی، افزایش اختیارات قانونی و استقلال بازپرس، تقلیل برخی اختیارات سابق دادستان و تعیین شرایط و محدودیت‌های جدید برای احراز عنوان ضابط دادگستری و وظایف محوله، نظارت بیشتر نسبت به قرارهای تأمینی منتهی به بازداشت، دگرگونی در ساختار مراجع قضایی و نحوه رسیدگی این مراجع به دعوی کیفری در مراحل مختلف، از جمله دست‌آوردهای قانون آیین دادرسی کیفری است. اما مبرهن است جدای از این که قانون جدید در مرحله عمل، برخی خلاءهای قانونی را آشکار خواهدکرد، به یقین، با وجود برتری قانون نسبت به مقررات مشابه سابق، کمبود نیروهای قضایی فاضل و مجرب، جهت اجرای دقیق و صحیح مقررات جدید، چالشی جدی برای دستگاه قضایی محسوب می‌شود.



منابع

- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۴)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان.
- آشوری، محمد، (۱۳۷۶)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- پراول، ژان، (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۳)، ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد راستاد.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، وسیط در ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، تهران، نشر گنج دانش.
- دانش، تاج زمان، (۱۳۸۲)، مجرم کیست؟، جرم شناسی چیست؟، چاپ سوم، تهران، انتشارات موسسه کیهان، تهران، ۱۳۸۲، ص ۴۸.
- رحمدل، منصور، قانون اساسی ایران و اصل برائت.
- رهامی، محسن، (۱۳۸۴)، عرفی شدن مجازات ها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، در مجموعه مقالات علوم جنایی، تهران، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- سلیمی، صادق، بخشی زاده، امین، (۱۳۹۳)، تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه.
- شمس، عبدالله، (۱۳۸۷)، آیین دادرسی مدنی، دوره بنیادین، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات دراک.
- صلاحی، جاوید، (۱۳۸۷)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ سوم، نشر میزان، تهران.
- علی آبادی، عبدالحسین، (۱۳۶۸)، حقوق جنایی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوسی.
- عمید، حسن، (۱۳۶۳)، فرهنگ عمید، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر امیرکبیر.
- قربان نیا، ناصر، (۱۳۸۷)، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۹)، گامی به سوی عدالت، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، مقدمه علم حقوق در نظام حقوقی ایران، چاپ پنجاه، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کریمی، عباس، (۱۳۸۶)، آیین دادرسی مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- محمدی، ابوالحسن، (۱۳۸۵)، مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ بیست و هفتم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- معین، محمد، (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات ادنا.
- مهاجری، علی، (۱۳۸۷)، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات فکر سازان.

